

در این مقاله به بررسی لباس‌های سنتی و مدرن زنان در ایران و نقش آن‌ها در فرهنگ و جامعه پرداخته می‌شود. همچنین به تغییرات لباس‌ها در طول تاریخ و تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر این تغییرات اشاره خواهد شد.

# لباس‌های سنتی

طرحها از فخری عرب‌نژاد



سربستن زنان کرد

لباس زنان و مردان کرد بسیار متنوع و زیبایی است. مردم سنندج، مریوان، کلهر، سنجاب و سقز، مهاباد و بانه هر کدام لباس مخصوص بخود دارند، بطوریکه برای کسانی که مختصر آشنائی با این اقوام دارند تشخیص آنان از یکدیگر بسیار آسان است. زیباترین نوع لباس زنان کرد را مردم سنندج میپوشند. موزه مردم شناسی دو نمونه بسیار خوب از این لباس دارد که در حدود صد سال پیش دوخته شده و یکی از خانواده‌های قدیم سنندج آنرا بموزه هدیه نموده است. لباس مزبور عبارت است از یک شلوار بلند از تافته یزدی قرمز رنگ که قسمت پائین آن بالیف به میج بسته شده و یک پیراهن بلند تافته یزدی که تا پائین پا میافتد و یک قبای زری بلند ساخت شهر لیون و یک کلاه مخصوص زنان این ناحیه و یک دستمال و یک روسری. هر دو نمونه لباس بیک سبک ساخته شده و تنها اختلاف آن در جنس پارچه‌های آن است. این مطلب از نظر مردم شناسی قابل توجه است که زنان کرد نیز مانند زنان گیلک در هر ناحیه خود را موظف میدانند که لباس متحدالشکلی در برداشته باشند. مثلاً ممکن نیست یا لااقل خارج از عادت

است که در نواحی املش وقاسم آباد و سیاهکل رود کسی شلیظه کوتاه تنکابن را بپوشد در حالیکه در ناحیه تنکابن اگر زنی دامن بلند و نواردار بپوشد معلوم میشود که از اهل قاسم آباد یا املش و سیاهکل رود است .

بهمین طریق در شهر سنندج و نواحی اطراف آن زنان کرد عموماً پیراهن و قبا در بر میکنند و مانند این است که بپوشیدن آن افتخار میکنند و پوشیدن لباس دیگری را خارج از عادت و معمول میدانند . این مطلب که از چه زمان این لباس در میان کردها معمول گردیده برای ما روشن نیست ولسی از عهد شاه عباس کبیر شلوار بلند در میان زنان ایران مرسوم بوده و بیشتر خارجانی که بایران سفر کرده اند در ضمن معرفی لباس مردم این سرزمین وجود چنین شلواری را میان زنان و مردان یادآوری ننوده اند

سریستن زنان کرد

سریستن زنان کرد

و در ضمن صفحات مصور کتابها یا برگذهای جداگانه نقاشی که از آن زمان بدست ما رسیده نیز وجود شلوار بلند در میان لباس زنان آشکار است . تنها وجه تمایز میان شلوار زنان ایران در عهد صفویه و شلوار زنان کرد اینست که شلوار اخیر مچ بسته است در حالیکه شلوار زنان عهد صفویه در قسمت پائین فراخ و بدون مچ بوده است . در حقیقت شلواری که اکنون بختیارها و مردم دهات اصفهان میپوشند یادگاری از آن شلوارهای عهد قدیم است.

در عهد زندیه در میان زنان درباری يك نوع شلوار مرسوم شد که مچ آن بسته بود و در میان آستر آن پنبه زیاد قرار میدادند که بنا بر گفته ( کاسپارد دروویل ) و برخی مسافران دیگر شباهت به متکا پیدا میکرد .

در اوایل قاجاریه یعنی در حدود اوایل قرن ۱۳ قبری دامن های بلند معمول شد و درست معلوم نیست که آیا زیر دامن شلوار بلندی هم می پوشیدند یا خیر . بهر حال در اواخر قرن ۱۳ دامن مبدل به شلیطه کوتاه شد و در اوایل قرن ۱۴ یعنی کسی قبل از انتهای سلطنت ناصرالدین شاه شلوار بلند از دیت یا حریر بر رنگ های سیاه و قرمز یا ارغوانی به آن اضافه گردید . این همان شلیطه قرمز و شلوار سیاه است که بوسیله زن های اعیان و بانوان رؤسای قبایل به تنکابن و مازندران راه یافت و هنوز در میان مردم آن سامان معمول است و بعنوان لباس محلی بحساب میرود . ولی در کردستان عموم شلوار های زنان و مردان مچ دار است و احتمالا یکی از خصوصیات لباس مردم این ناحیه میباشد . بهر حال با احتمال قوی این شلوار از عهد صفوی در میان آنان مرسوم بوده .

راجع پیش از عهد صفوی اطلاعی از شلوار زنان در دست نداریم . در نقوش برجسته تخت جمشید در میان اقوام مختلفی که برای شاهنشاه در روز نوروز هدایائی می آورند مردانی دیده میشوند که شلوار مچ دار برپا دارند اما بحث در اینکه این مردان از کدام يك از قبایل ایرانی نژادند در این مقاله امکان ندارد .

به همین طریق دامن بلندی که زنان سنج امروز روی شلوار بلند می پوشند در صفحات نقاشی عهد شاه عباس اول بسیار دیده میشود و مسافران خارجی نیز از آن صحبت کرده اند و احتمالا همین پیراهن بلند است که امروز میان زنان قشقایی



لباس زنانه کردهای  
آذربایجان ، سقر ، مهاباد

و بختیاری و مردم طالش معمول است با این فرق که زنان سنندج معمولاً روی این پیراهن از بالا تا پائین پولکهای سفید یا زرد میدوختند و در قسمت بالای آن تزیینات دیگری مانند ملیله دوزی و گلدوزیه‌های مختلف اضافه مینموده‌اند.

اختلاف دیگری که این پیراهن بلند با پیراهن زنان نواحی دیگر ایران دارد این است که آستین‌های بلندی بصورت لچک یا پارچه سه گوش با آن اضافه

لباس مردانه کردهای آذربایجان  
ستر و مهاباد



لباس مردانه کردهای سنندج



لباس زنان کردهای سنندج





جلیقه‌ای که عموم مردان کرد از آن استفاده میکنند

روی این کلاه زنان سنندج يك روسری از تورمزين به پولکها و تزینات دیگر میاندازند که از پشت روی شانه‌ها می‌افتد و این روسری از یادگارهای عهد زندیه است .

گردنبند هائی از ملا یا تقره به کلاه متصل میشود که از زیر گلو آویزان است و تزینات دیگری

شده که کردها آنرا «سورانی» مینامند .

پسراهن مردان کرد نیز « سورانی » دارد و میگویند در مواقع کار این سورانیها را بدور میچ میبندند و اشخاص معتبرهنگام راه رفتن آنرا باز میکنند بطوریکه تا پائین میچ آویزان میشود و این یکنوع تشخیص مخصوص به بزرگ زادگان است و خصوصاً هنگام سواری «سورانی» در نتیجه سرعت حرکت وضع مخصوصی بخود میگیرد و مانند اینست که اسب سوار بال دارد و در فضا پرواز میکند و در این صورت این اسب سواران با تقوش اسب سواران نقش رستم و ملاقستان شباهت پیدا میکنند. گاهی «سورانی» را در پشت گردن بهم گره میزنند برای اینکه بتوانند بدون زحمت تیراندازی کنند یا کار دیگری انجام دهند .

قبای زری نیز بدون شك از عهد صفویه در این ناحیه مرسوم گردیده است و جنس آن از زیرهائی است که از اواخر قرون ۱۳ از شهر لیون بایران میآمد و خصوصاً برای لباس زنان ایران بکار میرفت . کلاه زنان سنندج بسیار زیباست و شباهت بهیچ نوع کلاه دیگری در هیچ نقطه دیگر دنیا ندارد . این کلاه از نوارهای سیاه و نازکی که بدور شب کلاهی بسته شده ترکیب یافته و بدون شك ساختن آن کار آسانی نیست. روی کلاه تزینات کوچکی مانند سنجاچه‌های گل و شکل کبوتر و غیره قرار میدهند . کلاه مزبور در پشت سر بگوشه‌ای منتهی میگردد که پشت گردن می‌افتد . زنهای سنندج از پارچه بسیار نازکی لچک سه گوشه ترتیب میدهند که دو گوشه آنرا میتابند و پس از اینکه يك گوشه لچک را پشت کلاه سنجاچ زدند دو گوشه دیگر آنرا زیر گلو رد کرده در بالای کلاه و گاهی در پشت گردن گره میزنند بطوریکه قسمت مهم لچک یا چارقد روی شانه چپ می‌افتد . این لچک معمولاً برنگ صورتی یا آبی یا سبز است .

از ملا یا نقره بصورت سینه‌بند و دستبند لباس زن  
سندجی را تکمیل مینماید. کفش زنان بصورت  
ساغری است.

لباس مردان سندج عبارت از شلوار و پیراهن بلند  
و قباست و مورد تمایز آن بالباس زنان شال پهنی است  
که از ۱۵ متر پارچه تشکیل یافته و بصورت کمربندی  
دور کمر بسته میشود و در میان آن خنجر نوک برگشته‌ای  
قرار میدهند. کلاه مردان کرد (شله) معمولاً بصورت  
شالی است که بر سر میندند و نباید آنرا با عمامه  
مقایسه کرد زیرا شباهت آن به کلاهی که جنگجویان  
عهد هخامنشی بر سر داشتند قابل انکار نیست.

با وجود اختصار مطلب فقط توانستیم راجع  
بیک لباس کرد صحبت کنیم در حالیکه کردها بیش از  
ده تا پانزده نوع از این لباسها دارند ولی تشریح آن  
در این مقاله مختصر امکان نداشت.

راجع به اصلیت نژادها مانند کردها، لرها  
و بختیاریها و بلوچها و گیلکها تیوریا و ملل متعدد  
دیگر آریائی که در حدود هزار و دویست سال قبل از  
میلاد وارد این سرزمین شده و در اواسط قرن ششم  
پیش از میلاد شاهنشاهی ایران را بوجود آوردند  
باید کتاب «کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او»  
بقلم رشید یاسمی را مطالعه نمود.

مرحوم رشید یاسمی در این کتاب این مطلب را  
روشن کرده‌اند که خواه در زمان بانی شاهنشاهی  
ایران کورش بزرگ، و خواه در زمان حمله اسکندر  
و یادرضمن جنگهای اشکانیان و ساسانیان با رومیان  
کردها که مانند یکی از ستونهای محکم ایران  
بحساب رفته‌اند همواره دوش بدوش برادران هم‌نژاد  
ایرانی خود حدود شاهنشاهی ایران را در مقابل  
تعرضات خارجی با منتهای رشادت و دلاوری حفظ  
نموده و عادات و رسوم و زبان آنان بیش از سایر نقاط  
ایران یادگارهای ایام افتخار آمیز را در بردارد.